

با گذشت دونالد ترامپ، رئیس جمهور پرحاشیه آمریکا به کاخ سفید با حرف و حدیث‌های زیادی درباره رویکرد احتمالی او درباره ایران همراه بوده است. رئیس جمهور فعلی آمریکا که گفته می‌شد تاجر مسلک و اهل معامله است، خواسته یا ناخواسته سیاستی خصمانه را در قبال ایران اتخاذ کرد و با خروج از توافق برجام و سیاست فشار حداکثری و همچنین دستور ترور شهید سلیمانی، مردم و مقامات کشورمان را بیش از پیش نسبت به رفتار مقامات آمریکایی بدبین کرد. با این حال برخی معتقدند، ترامپ در دور جدید ریاست جمهوری خود می‌خواهد در رویکرد سابق خود نسبت به پرونده ایران تجدیدنظر کند و منافع آمریکا را قابل‌گرفتن از جنگ در خاورمیانه و مذاکره با ایران می‌بیند اما افرادی که برای سمت‌های کلیدی در دولت خود انتخاب کرده با آنچه برزبان می‌آورد تفاوت می‌کند. خبرنگار نیویورک تایمز می‌نویسد: در آستانه مراسم تحلیف، دونالد ترامپ درباره احیای کمپین «فشار حداکثری» علیه ایران صحبت کرده است و وقتی از او در مورد حمله نظامی احتمالی به ایران سؤال شده، می‌گوید: «هر اتفاقی ممکن است بیفتد.» درک ترامپ از «معامله» به شدت بر این مفهوم متکی است که طرف مقابل باید نرم‌شود تا بهترین توافق را از «موضع قدرت» به دست آورد. ترامپ با وجود اقدامات سختگیرانه دوره اول ریاست جمهوری خود در قبال ایران، در دولت جدید خود اظهارکرد که هنوز خواهان توافق است. پایگاه آمریکایی «سیانسپل استینداست» در گزارشی می‌نویسد در سپتامبر ۲۰۲۴ از ترامپ پرسیده شد که آیا تاوجه به اتهامات مدنی بر اینکه ایران می‌خواهد او را ترور کند، به دنبال دیپلماسی با ایران خواهد بود یا خیر. او گفت: «بله، من دیپلماسی با ایران را دنبال خواهم کرد، ما باید معامله کنیم، زیرا پذیرش عواقب عدم مذاکره با ایران غیرممکن است.» ترامپ همچنین علیه تحریم‌ها صحبت و تأکید کرد که می‌خواهد آنها را لغو کند و صراحتاً ایده تغییر رژیم به رهبری آمریکا در ایران را رد کرد. او در رد این مفهوم بیان داشت: «ما حتی نمی‌توانیم خودمان را اداره کنیم.» یک کارشناس ایرانی متقیم آمریکا معتقد است که گزینه ترامپ برای مذاکره، با انتصاب‌های مقامات جنگ طلب در کاخ سفید که به مذاکره اعتقادی ندارند، دچار چالش خواهد شد.

به نظر می‌رسد رئیس جمهور آمریکا به موضع سخت‌گیرانه خود در قبال تهران ادامه خواهد داد و همچنان دکترین «صلح از طریق قدرت» خود را بی‌خواهد گرفت. ترامپ در کنار مقامات جنگ طلب و تندرویی که منصوب کرده و احتمالاً در ادامه نیز به آن ادامه خواهد داد، افرادی را به جمع تیم خود اضافه کرده است که احتمالاً از رویکردی متعادل‌تری در برخورد با ایران حمایت خواهند کرد. این انتصاب‌ها ممکن است نشان‌دهنده این باشد که ترامپ در دور جدید ریاست جمهوری خود بخواهد خارج از ساختار رسمی کاخ سفید از طریق کانال‌هایی که شخصاً و به صورت مستقیم اداره خواهد کرد، تجربه تعامل با کره شمالی را یکبار دیگر و این بار در مورد ایران تکرار کند. یکی از انتصاب‌هایی که می‌تواند نشان‌دهنده رویکرد غیرتراجمی ترامپ نسبت به ایران و منطقه خاورمیانه باشد، گماردن «مایکل دیمیتو» به عنوان معاون دستیار وزیر دفاع در امور خاورمیانه است. فردی که در واقع سیاست‌گذار ارشد پنتاگون برای منطقه است. «البریج کلی» یکی دیگر از این نوع انتصاب‌ها توسط ترامپ است. او قرار است در پنتاگون به عنوان معاون وزیر در امور سیاست دفاعی نقش مهمی داشته باشد. کلی معتقد است واشنگتن باید امنیت ملی و دستور کار نظامی خود را برای چین و نه خاورمیانه در اولویت قرار دهد. پولیتیکو نیز چندی پیش گزارشی داد که ترامپ در حال بررسی نامزدی «جو کنت» نامزد دست‌راستی سابق کنگره به عنوان رئیس بعدی مرکز ملی ضد تروریسم است. این اقدام می‌تواند باعث شود که یکی دیگر از مقامات ارشد ترامپ از کاهش ردیابی نظامی در خاورمیانه حمایت کند. اما خبری که با زتاب زیادی داشت درباره نماینده احتمالی ترامپ در امور خاورمیانه است فردی که احتمالاً ترامپ بخواهد از طریق او مستقیماً مذاکره با ایران را پیش ببرد. روزنامه فاینشال تایمز روز پنجشنبه ۴ بهمن گزارشی را منتشر کرد که طی آن از تصمیم احتمالی ترامپ برای انتصاب «استیو ویتکاف» به عنوان نماینده خود در امور خاورمیانه خبر می‌داد. تحلیل این روزنامه انگلیسی این بود که رئیس جمهور آمریکا مایل است پیش از افزایش فشار بر تهران، دیپلماسی را آزمایش کند. خبرنگار اکسیوس معتقد است که انتظاری می‌رود ترامپ در صورت نهایی‌کردن انتصاب ویتکاف به عنوان فرستاده ویژه خاورمیانه از او بخواهد تا دیپلماسی با ایران را مدیریت کند.

«آرمان ملی» حمله وهتاکی به معاون راهبردی پزشکيان رابرسی می‌کند

اهانت و اتهام به ظریف، از خیابان تا مجلس

آقای وزیر کشور تاکی مماشات؟



دولت و دولتمردان را مورد هتاکي، افترا و اتهام قرار می‌دهند؛ اما از وزارت کشور دولت پزشکيان صديبي در نمی‌آید. گویا تندرورها نیز می‌دانستند که با این وزارت کشور پزشکيان خیلی راحت می‌توانند منویات خود را پیش ببرند. پرسش از اسکندر مومنی در مقام وزیر کشور این است که به طور مشخص او وزیر کشور پزشکيان است یا سعید جلیلی که هرچه دلواپسان تجمع می‌کنند، هتاکي می‌کنند و مقامات کشور را زیر سوال می‌برند دم فرو می‌بندد و هیچ واکنشی ندارد؟ هر چند که چندی پیش علی زینی‌وند معاون سیاسی وزیر کشور گفته بود با تجمعات بدون مجوز برخورد می‌کنیم اما تاکنون تمامی تجمعات تندرورها بدون مجوز برگزار شده و وزارت کشور نیز کاری از پیش نبرده است. حداقل اگر نمی‌خواهند برخوردی صورت دهند این اجازه را به جریان مقابل و حامیان دولت نیز بدهند که آنها نیز تجمعی را سامان دهند و منویات خود را پیش ببرند تا اینگونه گفته نشود که بر خورد وفاقی دولت پزشکيان فقط برای جریان است.

از تریبون مجلس!

تفاوتی نمی‌کند «تندرو»، «دلواپس»، «خودسر» یا «آتش به اختیار» مهم این است که این جماعت از هر بستری برای تخریب استفاده می‌کنند. نشان نیز در دوگانه ساری و تخریب سازی است. بنا بر تخریب باشد هر کسی را در جایگاهی تخریب می‌کنند. چه در خیابان کفن پوش تجمع کنند و به هتاکي علیه مقامات بپردازند؛ چه از پشت تریبون مجلس به معاون رئیس جمهور توهین، حمله و اهانت کنند. اما در حال حاضر همه چیز پیرامون ظریف است. اینکه خط فقر به کجا رسیده، اینکه شرایط اقتصادی و اجتماعی چگونه است، اینکه نارضایتی‌های جامعه مشهود است اصلاً مهم نیست برای تندرورها فقط مهم زدن ظریف است. مسئله نیز کاملاً مشخص است که یک تسویه حساب جرانی و جناحی دارند و می‌خواهند هر طور که شده ظریف را از معاونت رئیس جمهور کنار بزنند. روزگذاشته دوباره از تریبون مجلس این مطلب نخب‌نما شده و تکرار کردند و با انواع‌انگ‌ها تهمت‌ها، تخریب و اهانت‌ها خواستار برکناری او شدند. چنانکه علی خضریان نماینده پایدارچی مجلس اظهار کرد: «اگر قرار بود ما مدت‌ها تلاش می‌کردیم تا نفاق وفاق را علنی می‌کردیم، به اندازه آقای دکتر ظریف نمی‌توانستیم این کار را کنیم.» علیرضا سلیمی دیگر نماینده تندرو اظهار کرد: «دولت به جای اجرای برنامه هفتم توسعه، دنبال این است که کسلی را ظرفیانه به مجامع بین‌المللی بفرستد تا بر خلاف مصالح ملی صحبت کند.» حمید رسایی دیگر نماینده تندرو مجلس در حمله به ظریف ابراز کرد: «یک انتصاب غیرقانونی صورت

گرفته، تمام توان دولت به جای حل مشکلات مردم، حل مسائل اقتصادی و حل مسائل معیشتی این شده که یک سفر را در یک جایگاه غیرقانونی «نگه» دارد.» منان رئیس نماینده تندرو قم و رئیس ستاد جلیلی در جملاتی اهانت‌آمیز و هتاکانه در قبال ظریف بیان داشت: «قانون رسمی مملکت دارد نقض می‌شود، آقای غیرقانونی در اجلاس خارج از کشور و قیچانه حکم مسلم خدا را به سخره گرفته و می‌گوید در خیابان‌های تهران زنان برهنه دارند راه می‌روند این مسیر درست است. تو غلط کردی که گفتی مسیر درست است، تو کی هستی که بگویی این مسیر درست است؟ بیجا کردی!» محمدرضا احمدی نماینده تندرو رشت نیز در اظهارنظری کوشور را زیر سوال می‌برد دم فرو می‌بندد و هیچ واکنشی ندارد؟ هر چند که چندی پیش علی زینی‌وند معاون سیاسی وزیر کشور گفته بود با تجمعات بدون مجوز برخورد می‌کنیم اما تاکنون تمامی تجمعات تندرورها بدون مجوز برگزار شده و وزارت کشور نیز کاری از پیش نبرده است. حداقل اگر نمی‌خواهند برخوردی صورت دهند این اجازه را به جریان مقابل و حامیان دولت نیز بدهند که آنها نیز تجمعی را سامان دهند و منویات خود را پیش ببرند تا اینگونه گفته نشود که بر خورد وفاقی دولت پزشکيان فقط برای جریان است.

گزارش

فرشاد مومنی مطرح کرد

اصلاحات و عضویت در FATF

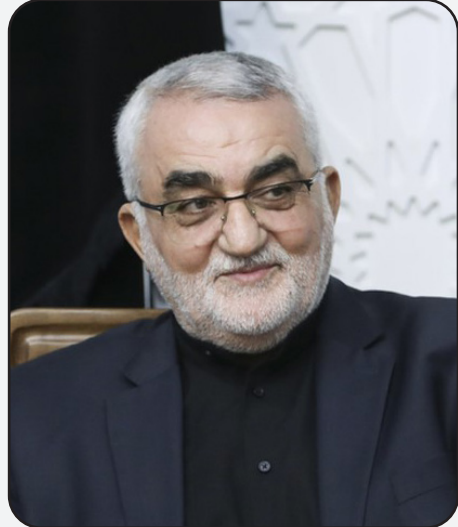


یک اقتصاددان در نشست «چالش‌های کسب و کار در سال ۱۴۰۴» که از سوی صندوق توسعه ملی برگزار شده بود، با بیان اینکه در اقتصاد سیاسی گفته می‌شود پیش‌بینی، امکان پیشگیری از آینده‌های محتمل، اما نامطلوب را فراهم می‌کند، همانطور که امکان ایجاد آمادگی‌های لازم برای حداقل سازی هزینه‌ها و خسارت‌های آنچه که در کنترل ما قرار نمی‌گیرد را سبب می‌شود، اظهار داشت: پیش‌بینی‌های عالمانه، امکان مواجهه غیرتصادفی و اعمال اراده برای ساختن آینده مطلوب را فراهم می‌کند. انصاف این است که در شرایط کنونی ایران، ما بیش از هر دوره دیگری، به هماهنگی‌های سازمان یافته و گفت‌وگوهای اعتدال‌بخش نیاز داریم. فرشاد مومنی گفت: ما از درپچه اقتصاد سیاسی توسعه، دچار بدیده‌ای شده‌ایم که در لطیف‌ترین تعبیر می‌توان آن را «دام سکون» و «دام از کارکردی افتادگی سیستمی» دانست. راه نجات ما این است که ریل‌هایی که ما را به اینجا آورده است را تغییر دهیم. بازکردن این مساله که تداوم روند‌های گذشته برای ما راهگشا نخواهد بود، از درپچه فضای کسب و کار و ارتقای انگیزه‌های دانایی، خلأقیّت و سرمایه‌گذاری تولیدی، شاید یکی از حیاتی‌ترین از کارافتادگی سنسورهای سیستم باید به سه تجربه ربع قرن اخیر ایران توجه کرد، توضیح داد: اندازه اقتصاد ایران، نقاط عطف ۱۳۸۲، ۱۳۹۲ و ۱۴۰۲ تقریباً بلا تغییر باقی مانده است. ببینید این مساله تا چه اندازه می‌تواند برای ما پیام داشته باشد، یعنی اگر نفت به حدود ۱۴۰ دلار در هر بشکه هم برسد باز کار ما راه نمی‌افتد به سمت برجام حرکت می‌کنیم هم کارمان راه نمی‌افتد و اینکه موضوع‌گیری‌های حاد و مشکوک علیه برجام هم موفق می‌شود، هیچ کدام تاثیر در عملکرد اقتصاد ایران ندارد و معنای آن، این است که ما به بازنگری‌های بنیادی، بسیار نیاز داریم که از جنبه اندیشه‌ای در کادر تحلیل‌های سطح توسعه موضوعیت پیدا می‌کند. به نوشته «جرمان» وی ادامه داد: وجه غالب کوشش‌هایی که برای احداث‌سازی نفع شخصی می‌شود، با منافع ملی هم راستایی ندارد مومنی ادامه داد: در چارچوب تحلیل‌های سطح توسعه، می‌گویند معنای اینکه شما به این روز افتادید، این است که وجه غالب کوشش‌هایی که برای احداث‌سازی نفع شخصی می‌شود، با منافع ملی هم راستایی ندارد و معنای آن است که کل مردم ایران را در معرض این اتهام‌ها قرار داده است. بنابراین، باید این هم‌راستایی‌ها آسیب‌شناسی جدی شود و تعارض میان این هم‌راستایی‌ها، زمانی بیشتر می‌شود که به فعالیت‌های مشکوک و فاسد و شبه‌مافیایی، پاداش بیشتر داده می‌شود و فشارهای بیشتر بر خلأقیّت، تولید و ارتقای بنیه فناورانه کشور اعمال می‌شود.

بخش خصوصی مولد

وی یکی از آدرس‌های کمک‌کننده را تمرکز بر مساله فضای کسب و کار عنوان کرد و گفت: آنهایی که فضای کسب و کار را با دستکاری قیمت‌های کلیدی به آشوب می‌کشند و بی‌ثبات می‌کنند، باید متوجه باشند تا زمانی که دولتی بخواهد از این شیوه کسب درآمد کند، آب به آسیاب مافیاهای می‌ریزد و سرمایه‌های انسانی با کیفیت در کشور را دچار سرخوردگی می‌کند. اگر بخواهیم به زبان عدد و رقم در این زمینه صحبت کنیم، مطالعه‌های بسیار با کیفیت، که در آن ۱۰۰ هزار شرکت در ۱۳۹ کشور در حال توسعه در یک دوره ۱۰ ساله بررسی شده و نتیجه این بود که هیچ عنصری به اندازه سیاست‌های تورم‌زا، علیه تولید و خلأقیّت و نوآوری در درصد افزایش در تورم، موجب می‌شود بنگاه‌های موجود، به اندازه ۳.۰۴ درصد کمتر از گذشته در فعالیت‌های نوآورانه شرکت کنند. این استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، با تأکید بر اینکه ضریب اهمیت بحران دسترسی به نقدینگی لازم برای تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی، به تنهایی نزدیک به ۷۰ درصد است اما در سند لایحه بودجه، رشد پیش‌بینی شده برای واگذاری دارایی‌های مالی نسبت به سال قبل ۳۳۳ درصد در نظر گرفته شده است، تصریح کرد: با لایحه بودجه ۱۴۰۴ بخش خصوصی مولد را از میدان به در کرده‌اند و فرصت‌های تأمین مالی را برای بنگاه‌های تولیدی دوشوارت و دوشوارتی می‌شود.

علاءالدین بروجردی ریاست فراکسیون مستقلین



«علاءالدین بروجردی رئیس فراکسیون مستقلین شد»، این خبری است که در چند روز گذشته از سوی برخی از اعضای فراکسیون مستقلین در فضای رسانه‌ای منتشر شد. بر اساس آنچه که احمد انارکی، نایب رئیس فراکسیون مستقلین ولایي مجلس درباره انتخابات اخیر این فراکسیون گفته است، «پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، آقای پزشکيان رئیس جمهور و آقای نوری قزلبچه وزیر کشاورزی شدند تا این موضوع سبب شود فراکسیون مستقلین ولایي در انتخابات اخیر این فراکسیون ریاست بروجردی به عنوان رئیس فراکسیون، احمد انارکی به عنوان نواب رئیس، مجید نصیریور به عنوان سخنگو و عالیه زمانی و مریم عبد‌الهی به عنوان دبیران کمیسیون انتخاب شدند». اما، ارائه عدم جزئیات بیشتر از سوی اعضای فراکسیون مستقلین به ابهامات و سوالات زیادی درباره این انتخاباتی دامن زد. یکی از مهم‌ترین سوالات این است که چرا غلامرضا تاجگردون از چهره‌های شاخص این فراکسیون به عنوان رئیس فراکسیون انتخاب نشد؟ «انتخاب بروجردی با پیشینه اصولگرایی با هدف ارتباط گیری با دیگر طیف‌های مجلس بوده است؟» و... برخی از نمایندگان درباره جزئیات و حتی زمان برگزاری انتخابات فراکسیون مستقلین اظهار بی‌اطلاعی کرده بودند. عجیب‌ترین بی‌خبری مربوط به مجید نصیریور، سخنگوی این فراکسیون است که گفت: «انتخاب مربوط به یک ماه پیش بوده و الآن، انتخاباتی برگزار نشده است.» مصطفی یورد هقان، نماینده اردکان و از دیگر اعضای فراکسیون هم گفت: «من در جریان برگزاری انتخابات نیستم

کردن همه اعضا در همه جلسات غیر ممکن است و همیشه اینطور بوده است. امیدوارم همه در فراکسیون کمک کنند تا کارها پیش برود». او همچنین در پاسخ به ادعای نصیریور درباره برگزاری انتخابات هیأت رئیسه در یک ماه گذشته نیز گفت: «خیر، اخیراً برگزار شده است.»

بروجردی ریاست می‌کند

در مجلس اول تا امروز در هر دوره‌ای، افرادی بودند که به لایه‌من‌های مجلس معروف شدند. همان افرادی که گاهی به دلیل سوابق حضورشان در پارلمان، گاهی به خاطر فعالیت‌های سیاسی یا شان و منزلت حزبی، یک سر و گردن بالاتر از دیگران بوده و قدرت تاثیرگذاری بیشتری بر تصمیمات درون پارلمان دارند. غلامرضا تاجگردون یکی از همان چهره‌هایی است که به واسطه حضورش در چند دوره مجلس، تسلط بر حوزه‌های بودجه‌ای و اقتصادی و... به یکی از همان لایه‌من‌ها تبدیل شده است. مستقلین ترجیح دادند که نقش غلامرضا تاجگردون ولایي‌گری‌های او در پشت پرده استفاده کنند. بروجردی نیز که برخاسته از اردوگاه اصولگرایان است، می‌تواند در هماهنگی‌ها و یده بستان‌های آشکار مجلس، نقش ویژه‌تری ایفا کند. اما احتمالات درباره بودن تاجگردون در پشت پرده فراکسیون، موضوعی است که با مهر تأیید لاهوتی، همراه شد و گفت: «آقای بروجردی رئیس فراکسیون بودند و ابقا شدند. البته درست این بود که آقای تاجگردون رئیس شوند و نظر ما هم همین بود اما خودشان کاندیدا نشدند. آقای تاجگردون به عنوان بزرگ فراکسیون در کنار ما هستند و آن راه‌هدایت می‌کند. اما مسولیت را به دلیل مشغله‌ای که داشتند قبول نکردند.»